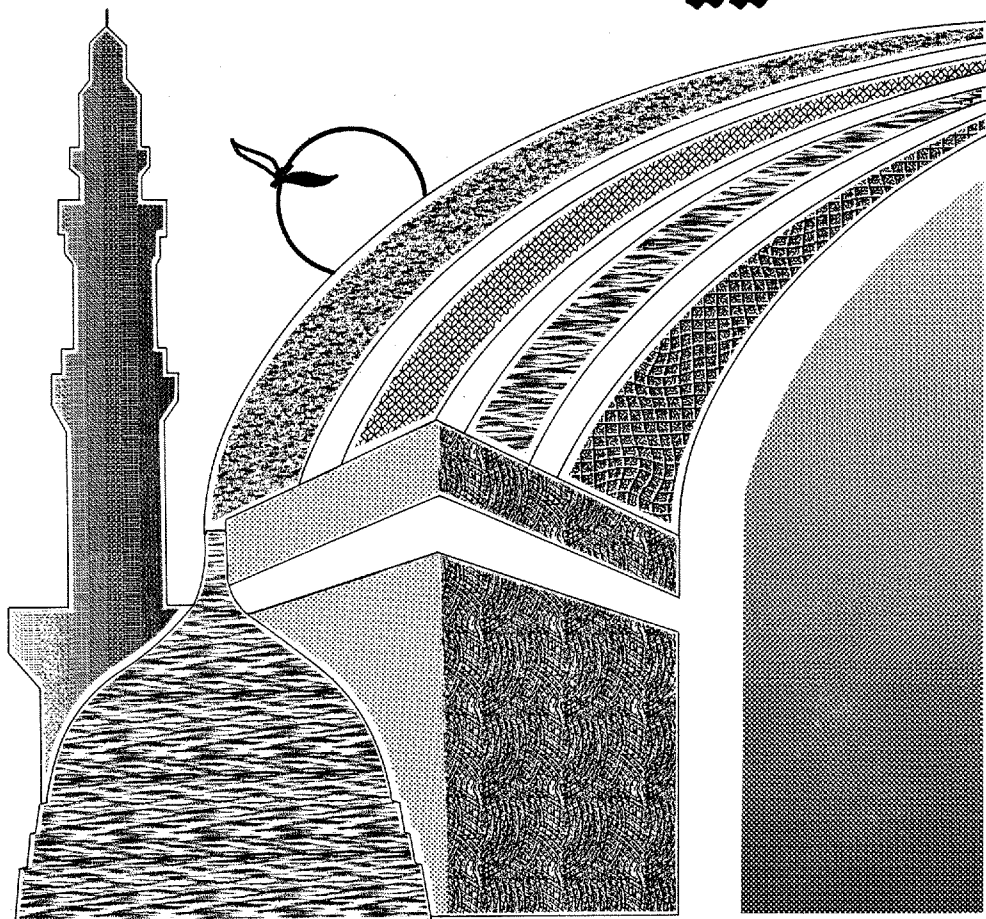
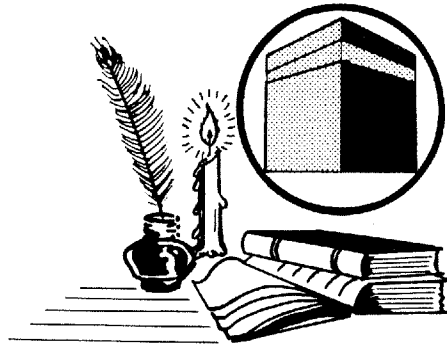


حج در آینه ادب فارسی



حج در شعر فارسی

خلیل الله یزدانی



۳۴- ملا محمد رفیع واعظ قزوینی: شاعر قرن یازدهم به جستجوی کعبه مقصود و دیدار معبود است که می گوید:

سراغ کعبه مقصود کرده ام واعظ سراغ همسفر اما نمی توانم کرد^۱

در راه بندگی به سوی کعبه نجات دادی چو دست و پای طلب همتم بده^۲

تا کعبه با خیال تو همدوش رفته ام این راه را تمام به آغوش رفته ام^۳

واعظ متظاهران را مخاطب قرار داده و آنها را از این عمل ناخوش آیند بر حذر داشته و گفته است:

تا چند در لباس کنی دعوی صلاح

خواهی به جامه کعبه نمایی کنشت را؟!^۴

او در خلال سخنان خود درس آزادی و آزادگی می دهد و انسان را به ترک حصار شهرنشینی و گرفتاریها و مشکلات آن تشویق می کند و در حقیقت می خواهد بگوید باید دید انسان وسیع و فکر او باز باشد و خود را اسیر این و آن نکند برای این منظور از ارزش و احترام



کعبه سود جسته است.

نبودی گر شرف بر شهرها صحرا و هامون را

چراشد کعبه را با این شرافت خانه در صحرا^۵

وی اظهار تأسف می‌کند که توجه دینی مردم اندک است و بیشتر توجهات به لباس و

آرایشهای ظاهری است.

روزگار جامهٔ دیبا و فرش مخمل است

کعبهٔ دل را لباس درد دین مستعمل است^۶

قزوینی گاهی به اشاره، اوضاع اجتماعی زمان و نحوهٔ برخورد بعضی از مسلمانها را با این

عمل عبادی - سیاسی بیان کرده و در هجو کسی گفته:

... وعده و وعید جنت و نارت به حج نبرد

شاید برد خرید و فروش منا به حج^۷

ای که بر لب گفتگوی کعبه‌ات باشد گران

آستان خلق بوسیدن ندارد این همه^۸

۳۵ - لطف علی بیک آذر بیگدلی (متوفای ۱۱۹۵) شاعر قرن دوازدهم است. او در مدح

احمد خان خوبی، به امنیت کعبه و عدالت مداین اشاره می‌کند و حاکم اصفهان را که به حج

رفته، مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌گوید: تو در عمل مانند خجاج یوسفی، تو حج نکرده‌ای

بلکه خجاج را غارت کرده‌ای و موجب رنج و زحمت آنان شده‌ای و در ضمن می‌گوید که حاجی

واقعی بسیار اندک است و همهٔ اینها نشان دهندهٔ اوضاع اجتماعی و اعتقادی زمان است:

ای به دیدار، ضحکهٔ ضحاک وی به کردار، خجّت خجاج...

کرده قربانی آهوان حرم حج نکرده زدی ره خجاج

در ره پا برهنگان حجاز برفشانده خسک شکسته زجاج^۹

۳۶ - داوری شیرازی: شاعر قرن سیزدهم. وقتی فاضل دانشمند زمان او، اسدالله خان، به

مکه معظمه می‌رود قصیده‌ای در ۳۸ بیت می‌سراید و در آن از مکه، کعبه، زمزم، حجرالأسود و... نام می‌برد و فرشتگان و پیامبران را به منظور دیدن ممدوح خود به مکه می‌کشاند.

خدایگان مرا جزم گشت عزم رحیل

به سوی خانه حق کش خدای باد دلیل...

به این بهانه که تعمیر خانه خواهم کرد

دوباره آید از خلد سوی کعبه خلیل...

حرم لباس سیه را زتن برون آر

حریر سبز بپوشد زپَر جبرائیل...

فرشتگان زفلک تا به مکه صف بزنند

گهی زشوق به تسیح و گاه در تهلیل

به بام کعبه ببندند خادمان حرم

برای زیور تورات و مصحف و انجیل...

بزرگوارا این حج نه واجب است تو را

که استطاعت شرط است و جاء فی التنزیل...

و در پایان قصیده می‌گوید:

برو به مکه و خرّم بمان و خوش برگرد بیابه پارس بمان تا به صور اسرافیل^{۱۰}

در قصیده دیگری نیز خطاب به حاجیان، به آنها خوش آمد می‌گوید و از زحماتشان که در راه رسیدن به کعبه کشیده‌اند، یاد می‌کند که با چه شوقی می‌رفته‌اند، هروله می‌کرده‌اند، دیوانه‌وار لبتیک می‌زده‌اند، سعی بین صفا و مروه کرده و در این عمل، دل خود را صفا داده‌اند، حجرالاسود را عاشقانه بوسیده‌اند، در محلهای اجابت دعا، دعا خوانده‌اند و...

خرّم صباح حاجیان و آن سود و سودا داشتن

در کوی خاص کبریا بی حاجبی جا داشتن...

دیوانه وار از عشق هو با یار گشتن روبرو

وز هر طرف لبتیک گو فریاد و غوغا داشتن



عشاق یار با وفا در پیش خود یار از قفا
 از مروه رفتن تا صفا دل را مصفا داشتن
 آن هدی راندن تا منا راحت شمردن هر عنا
 وزبخشش معطی المنی هر گون تمنا داشتن...
 آن جا شما خوش ناجیان عمره گزار و حاجیان
 ما مانده اینجا راجیان و اندوه آنجا داشتن...
 تا حج در اسلام آمده حاجی به هر عام آمده
 تا شرط احرام آمده عریان سروپا داشتن...^{۱۱}

۳۷- شمس الشعرا میرزا محمّد خان، سروش اصفهانی: (متوفای ۱۲۸۵) از شعرای معروف قرن سیزدهم، ضمن قصاید غزای خود، به حج و کعبه و بعضی داستانهای مربوط به آن اشاراتی دارد؛ از جمله جریان خواب دیدن هاشم جدّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جوار کعبه که از فرزندان او یکی پیامبر آخر الزّمان خواهد بود.^{۱۲}
 حرمت کعبه حتّی پیش از اسلام در نزد عرب و دیگر ملتّها بسیار زیاد بوده. بزرگان ایران قبل از اسلام به زیارت کعبه رفته و هدایایی تقدیم می‌کرده‌اند. سروش از این هدایا یاد کرده است.^{۱۳}

سروش در مدایح خود نیز به صورت پراکنده و به مناسبت در تشبیه، به حج و کعبه و... نظر داشته و از خلال همه این اشارات، اعتقاد راسخش به حرمت کعبه و... کاملاً هویدا است.
 از جمله در قصیده‌ای که در بازگشت ناصر الدّین شاه از خراسان سروده و به بیان زیارت او و نحوه تشرّفش به حرم مطهّر حضرت رضا علیه السلام پرداخته و گفته است: این پادشاه پیش از ورود به حرم مطهّر تاج بزرگ خود را از سر برداشت و با تواضع کامل که لازمه تشرّف به بارگاه ملکوتی آن حضرت است داخل حرم شد.

زان پیش کانداران حرم کبیرا رسد بگذشت از برون حرم تاج کبیرا
 آن سروری که بارگهش قلّه ملوک آن رهبری که پیشگهش کعبه رجا^{۱۴}

در قصیده مولودیّه‌ای که در ولادت پیامبر اکرم سروده، به مسائل تاریخی کعبه اشاره کرده و گفته است: پیامبر بود که کعبه را کعبه کرد و بر اهمّیت آن افزود:



گر نهستی ز وجودش حق بر کعبه سپاس کعبه امروز چنان بود که بتخانه گنگ^{۱۵}
و در نعت پیامبر گفته است که پیامبر خود به دست خود کعبه را از بتها پاک کرد.

به پای خویش برانداخت از قبایل کفر

به دست خویش بپرداخت کعبه از تمثال^{۱۶}

۳۸- حاج محمد کاظم صبوری: ملک الشعراء آستان قدس رضوی (متوفای ۱۳۲۲ ه. ق.) خود به حج رفت و در بازگشت از سفر حج، در مدح مظفرالدین شاه قاجار قصیده‌ای سرود و گفت: اکنون پس از زیارت کعبه به زیارت دربار توفیق یافته‌ام.^{۱۷}
صبوری همچنین در مدح ابوالفتح حاکم خراسان قصیده‌ای در ۲۳ بیت سروده و در ضمن آن حجّ حجاج و حجّ عشاق را باز نموده است:

حجاج را به عاشر ذی الحجة الحرام

باشد به طواف کعبه اسلام ازدحام

عشاق را به طوف سر کوی دوست هست

هر صبح و شام عاشر ذی حجة الحرام

عشاق را مناسک حج طرز دیگر است

تازین دو حج قبول نظر اوفتند کدام...

گر گوسفند حاجی قربانی آورد

عاشق به ذبح جان و تن خود کند قیام

حاجی نهاده گام سوی خانه خدا

عاشق ز وصل خانه خدا جُسته است کام

هر کس زخانه، خانه خدا می‌کند طلب

گو سوی توس آید در خانه امام...^{۱۸}

بیشتر اشعار صبوری، که درباره حج و کعبه و... سروده شده است، به مناسبت عید قربان است. در قصیده دیگری که در تهنیت عید قربان و در مدح حضرت ثامن الائمه و ستایش والی خراسان ابوالفتح فوق الذکر سروده گفته است:



عید قربان گرجه آیین خلیل آزر است
 ملت اسلام را امروز زیب و زیور است
 حتّذا عیدی که سرخ از خون قربانی او
 گونهٔ اسلام و روی ملت پیغمبر است
 حتّذا روزی که ابراهیم را در کوی دوست
 ذبح اسماعیل از یک گوسفند آسانتر است...
 حاجیان از جان چنان بوسند آن سنگ سیاه
 خانهٔ حق را که گویی خال روی دلبر است...
 سالی اریک حج بود مرحاجیان را در حجاز
 در خراسان خلق را هر روزه حج اکبر است
 خانهٔ حق را اگر خواهی بسو راه حجاز
 و بر بخواهی صاحب آن خانه در این کشور است
 اندرین عیدی که ملت را همه فرّ و بها
 از نو آیین سنت پاک خلیل آزر است...
 سعی تو مشکور باد و حج تو مبرور باد
 در حریمی کز شرافت کعبه را تاج سر است ۱۹
 و باز به همین مناسبت عید قربان قصیده‌ای در ۲۱ بیت سروده و ضمن مدح شاهزاده
 رکن‌الدوله گفته است:

ای روی تو چون کعبه وای لعل تو زمزم
 دل نیست چرا در حرم کوی تو محرم
 گر کعبه مساوی است در آن عاکف و بادی
 ره نیست مرا از چه بدان کعبه و زمزم... ۲۰
 و قصیدهٔ دیگری نیز به همین مناسبت به مطلع زیر سروده و در آن از حج و مناسک آن
 سخن گفته است:

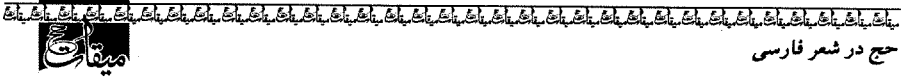
به کیش احمدی سنت خلیل الله خدای داد به ما عیدی اینچنین دلخواه



و باز به همین مناسبت قصایدی سروده و در آن به مدح حضرت رضا علیه السلام امام هشتم شیعیان جهان پرداخته است؛ از جمله:

خلیل من که به رخ کعبه دل و جان است
به راه او دل و جان چون ذبیح قربان است
شگفت نیست دل و جان فدای جانانی
که قبله دل مشتاق و کعبه جان است
در آن مناکه تمنا و آرزوی دل است
به رسم قربان از جان گذشتن آسان است...
غرض ز کعبه همان طوف خانه گل نیست
که خانه دل آرامگاه جانانست
میان کعبه حجاج و کعبه عشاق
هزار مرحله ره با دلیل و برهان است
به کعبه آنان بهر طواف خانه روند
ولیک خانه خدا خویش در خراسان است
مرو به مروه صفا جوی و سعی کوی کن
که جای قوه نسل خلیل رحمان است
امام ثامن ضامن علی بن موسی
که ذات پاکش مرآت نور یزدان است...
به حج اکبرت ار آرزو بود در باب
که در زیارت این کاخ عرش بنیان است
ضریح اقدس او را شرف بود افزون
از آنچه بیت الله را به چار ارکان است
چنانکه رکن یمانی به کعبه اسلام
به رکن شرقی این کعبه یمن چندان است ۲۱

در قصیده دیگری در تهنیت عید قربان و منقبت حضرت ثامن الائمه علیه السلام در ۴۳ بیت



سروده است. وی زیارت عاشقانه حرم مطهر حضرت ثامن الحجج را بر زیارت بیت‌الله ترجیح داده است. بدیهی است که شاعر اهمیت کعبه را از نظر دور نداشته بلکه خواسته است حرمت حرم حضرت را بیشتر بیان کند. ما نمونه‌های دیگر از همین نوع را در شعر دیگر شعرا دیدیم.

| | |
|--------------------------------------|-----------------------------|
| دعوت حج به اهل کیهان است | به سوی کعبه سالی ار یک روز |
| حج اکبر نصیب هر آن است | به خراسان بچم که اهلس را |
| به خراسان هزار چندان است | آنچه در کعبه فز و تعظیم است |
| خفته در خطه خراسان است ^{۲۲} | خانه اندر حجاز و خانه خدای |

۳۹- حاجی محمد علی انصاری شاعر اهل بیت درباره حج قصاید زیبایی سروده است؛ از جمله در سال ۱۳۶۸ هجری قمری در تهنیت بازگشت از سفر حج آیه‌الله حاج سیدمحمدتقی خوانساری گفته و در ضمن او را به مشعر، مقام، میقات کعبه، قبله، زمزم و... مانند کرده است.

در هزار و سیصد اندر شصت و هشتم چون قمر

ماه من اندر وطن شد از سفر او را مقرر...

مشعر دانش مقام فیض و میقات صفا

کعبه دل قبله دل، زمزم وجود و هنر

حل ایمان مروه ایقان و مرآت کمال

گنج حکمت‌کان رحمت معدن فضل و اثر^{۲۳}

مدتی بر اثر دسیسه‌های دشمنان دین حج ممنوع بوده و انصاری مثنوی‌ای در مورد زیارت خانه خدا (حج) سروده و در آن درباره وجوب حج سخن گفته و از خداوند تقاضای استطاعت برای خود کرده و از اینکه زمام حج به دست انگلیس افتاده، اظهار تأسف کرده و مسلمانهای جهان را به وحدت فرا خوانده و گفته است:

اگر مسلمانها به همان صورت که در حج یک رنگ و متحد الشکل هستند به کلیسا حمله کنند مسیحیت را از بیخ و بن خواهند کند و بر آمریکا و انگلستان و تمام اروپا مسلط خواهد شد. او گفته گیلادستون در مجلس انگلستان اظهار کرده که کعبه لندن را خراب کرده، لذا دولت انگلیس تصمیم به ویرانی کعبه گرفته ولی غافل از این که خداوند خود خانه خویش را از گزند

محفوظ نگه می‌دارد:

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| نموده حج بیت الله واجب | به هریک از شما خلاق واجب |
| چو کعبه کرده جایی حی داور | برای قبله مردم مقرّر |
| هجوم آرند بهر فیض و انعام... | که در آن حج گزاران همچو انعام |
| خدای خانه را آرند تکریم... | فرود آرند سرها بهر تعظیم |
| ز ناحق حقّ خود را هست طالب... | مسلمان راست حجّ خانه واجب |
| که حجّ البیت لله علی الناس | به شرط استطاعت دون وسواس |
| بباید حج گزارد بی کم و کاست | طواف کعبه را هرکس تواناست |
| خدای خانه مستغنی است از آن... | هر آن کس تن زد از حج، کرد کفران |
| شود مجموع در آن مرکز عام... | به هر سالی دو ملیون زاهل اسلام |
| نه اندر چهر این از آن غباری... | نه اندر قلب آن از این نقاری |
| به اندک مدّتی کارش بسازند... | بدین وحدت به هر کشور بتازند |
| نصارا را کلیساها خراب است... ۲۴ | درخشان مگه تا چون آفتابست |

این بود شمه‌ای از انعکاس حج در شعر شعرای فارسی گوی پیشین که بیشتر در مدایح خود برای تعریف و تمجید و مدهانه ممدوحین خویش، دربار آنها رابه کعبه، کف بخشنده آنان را به زمزم، متملقان و طمّاعانی را که به امید صله به دربارها روی می‌آوردند به زائران بیت‌الله مانند کرده‌اند و یا صورت زیبای معشوق را به کعبه، خال صورت او را به حَجْرالأسود و... همانند شمرده‌اند.

شعرایی هم که از دید عرفانی به حج نگریسته‌اند به نقل حکایاتی در کرامات شیوخ خود بسنده کرده و بعضی از شعرا در وصف کعبه و زمزم و صفا و مروه و عرفات و منا به زیباترین شکل داد سخن داده‌اند و قصاید غزایی سروده‌اند. بعضی، از مشکلات راه سخن گفته‌اند. بعضی گفته‌اند:

گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

و بعضی هم به حق درسهایی از حج گرفته‌اند.



به ندرت به اشعاری بر می‌خوریم که سراینده آنها مانند ناصر خسرو به فلسفه اعمال حج توجه کرده باشد و یا همچون سنایی به تظاهر و دورویی بعضی حج گزاران تاخته باشد. وی هشدار داده که کعبه را باید از چنگ غاصبان نجات داد و آن را همچون نامش که «بیت‌العتیق» است آزاد کرد.

کوتاه سخن این که در کمتر موردی به مسائل سیاسی حج توجه کرده‌اند و اغلب از بعد عبادی و تربیتی به آن نگرسته‌اند.

۴۰ - الهی قمشه‌ای: در مسمّط زیبایی تحت عنوان «مناسک حج عاشقان» توصیه کرده و گفته است اول کاری که حاجی باید انجام دهد این است که جز به خدا به هیچ چیز دیگر نیندیشد. چون با همه چیز و همه کس جز خدا قطع رابطه نموده آنگاه وقت آن فرا می‌رسد تا لبیک زنان به دیار معبود بشتابد، از گناهان خود توبه کند و احرام ببندد که خود احرام نشانه حرام کردن هر چیز است بر خود و از طرفی حفظ حریم حضرت حق (جلّ و علّی) است و...

ای دل اگر عزم دیار یار داری قصد حجاز و کعبه دیدار داری
شوق شهود حضرت دلدار داری اول زدل نقش سوی الله پاک گردان

چون سوی صحرای حجاز عشق رفتی

اول به میقات وفا لبیک گفتی

چون بلبل افغان کردی و چون گل شکفتی

از شوق روی گلرخی در طرف بستان

باید نخست از جامه عصیان بر آیی با جامه طاعت به کوی دلبر آیی
بشکست اگر پایت در این ره با سر آیی تا گام بتوانی زدن در کوی جانان

احرام بستی در رهش از جان گذشتی؟ وز دنیی دون در ره ایمان گذشتی؟
از هر چه جز یاد رخ جانان گذشتی کانجا شوی در باغ حسن دوست مهمان؟

لبیک گویان آمدی در کوی یاری؟ کردی در آن درگاه عزت آه و زاری؟
 گشتی ز اشک شوق چون ابر بهاری؟ تا خار زار دل شود باغ و گلستان...
 احرام چون بستی به کوی عشق ایزد لبیک گفתי دعوت آن یار سرمد
 گشتی چو محو جلوۀ آن حسن بی حد دیدی درون کعبه دل نور سبحان؟
 الهی قمشه‌ای به حاجیان هشدار می‌دهد که خداوند قلب پاک و تسلیم بدون چون و چرا و عبودیت محض را می‌خواهد. او بندگان عاشق می‌خواهد.

ای حاجیان رفتید چون در کوی دلبر دلبر پسندد قلب پاک و دیده‌تر
 یاد آورید از عهد وصل روز محشر هنگام پاداش و جزای عدل و احسان...

کار تن و جان را به ایزد واگذاری زادی بجز مهرش در این ره بر نداری
 گامی مزن جز بر رضای ذات باری جز طاعتش باش از همه کاری پشیمان...
 شاعر می‌گوید: وقتی قدم در مسجد الحرام می‌گذاری باید آن لحظه ملاقات با خدا را به خاطر بیاوری و اشک ندامت بریزی تا مورد قبول حضرت حق قرارگیری.

چون در حریم قدس عزت پا نهادی کردی هم از روی لقای دوست یادی
 دل زین سفر از مهر خوبان یافت زادی تا ایزدت منزل دهد در بزم خاصان

محرم چو گشتی در حریم قدس داور رفتی در آن درگاه عزت زار و مضطر
 شد دامنت گلگون زاشک دیده‌تر مقبول آن درگه شدی زانعام سلطان

الهی می‌گوید غسل احرام یعنی شستن تن به آب توبه، شستن تن با آب زمزم، صفای دل از محبت است.

چون غسل کردی تن به آب توبه شستی با عاشقان در کوی یار احرام بستی
 هر عهد بستی غیر عهد حق شکستی تا در صف پاکان شوی زین عهد و پیمان
 شستی تن از زمزم، دل از آب محبت در بزم مشتاقان زدی ناب محبت
 از روزن دل تافت مهتاب محبت روشن روان گشتی به نور عشق و ایمان



وی همچنین ورود به عرفات را ورود به صحرای محشر و مشاهده روز قیامت می‌داند که زائر خانه خدا در آن مکان باید به یاد قیامت باشد. و ماندن در مشعر الحرام را برای شب زنده داری و راز و نیاز با خدا و سیر در عوالم بالا و توجه به روز سخت جان به جانان تسلیم کردن و خلاصه توبه و استغفار می‌داند. در منا باید خودبینی و خودخواهی را کنار گذاشت نفس حیوانی را قربان کرد و به فکرکمک به نیازمندان بود. در کعبه باید بت نفس را شکست از دل و جان مطیع اوامر الهی شد، تسلیم محض شد، از هر چه غیر از حق است بُرید، شرک و نفاق را رها کرد، به کعبه دل توجه کرد.

در کعبه بشکستی بت نفس و هوا را
بگرفتی آنجا عزّ تسلیم و رضا را
بگزیدی از جان طاعت و عشق خدا را
تا یار بنوازد تو را در باغ رضوان

آنجا ز غیر حق دل و جان پاک کردی
شرک و نفاق و شید را در خاک کردی
اخلاص خاص عاشقان ادراک کردی
درد تو را کرد آن طیب عشق درمان

از کعبه تن ره به کوی دل گرفتی
زنگ گناه از این دل غافل گرفتی
در عرش رحمان از صفا منزل گرفتی
در گلشن رضوان شدی زین تیره زندان

از کعبه جسم آمدی در کعبه دل
آینه دل گشت بارویش مقابل
چون عاشقان کردی به کوی دوست منزل
تا سازدت حسن ازل چون ماه کنعان

رمی جمرات یکی دیگر از اعمال بسیار پر رمز و راز حج است. حاجی باید شیطان نفس را رمی کند و این شیطان شیاطین جز با ریاضت رانده نمی‌شود، از این رو است که شاعر در ادامه می‌گوید:

رمی جمر کردی زدی بر دیو دون سنگ

هم بر سر نفس شریر پُرفسون سنگ

انداختی بر فرق دنیای زبون سنگ

تا جانت ایمن گردد از آفات دوران

ابلیس را راندی بدان سنگ ریاضت کردی به راه دوست آهنگ ریاضت
دادی زمام نفس در چنگ ریاضت کز نفس اهریمن رهی با لطف یزدان

گرد حرم کردی طواف عاشقانه چون قدسیان بر عرش سلطان یگانه
با یاد حق کردی به فردوس آشیانه بوسیدی آن سنگ نشان کوی جانان

غسلی به آب زمزم اخلاص کردی
ذکر و نمازی در مقام خاص کردی
روشن دل از توحید خاص الخاص کردی

همچون خلیل الله عشق پاک ایمان

در پایان بحث از شعر الهی، از بیان خود وی می‌گوییم:

گفتار کوتاه حج مشتاقان همین است

آداب و حکم کعبه جانان همین است

سجاد و صادق را حدیث ای جان همین است

عشق این مناسک گفت و شرع عرش بنیان

اسرار حج عاشقان نظم الهی است

سرّ ازل وحی ابد بر وی گواهی است

صیت شرف زین خانه از مه تا به ماهی است

بگرفته آدم تا به خاتم عشق پیمان ۲۵

• پانوشتها:

- ۱- دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی، با تصحیح و مقدمه، دکتر سید حسن سادات ناصری، ۱۳۵۹، مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی ص ۱۶۳
- ۲- همان ص ۳۵۶
- ۳- همان ص ۲۹۶
- ۴- همان ص ۸
- ۵- همان ص ۱۱
- ۶- همان ص ۸۱
- ۷- همان ص ۵۳۳
- ۸- همان ص ۵۳۳
- ۹- همان ص ۲۷۳
- ۱۰- دیوان داوری شیرازی، به اهتمام دکتر نورانی وصال، چاپ اول ۱۳۷۰ چاپ احمدی ص ۳۵۷
- ۱۱- همان ص ۴۴۶
- ۱۲- دیوان سروش اصفهانی، به اهتمام حسین کی استوان، مدیر روزنامه مظفر بهمین ۱۳۲۹، صص ۸۵۴-۸۵۵
- ۱۳- همان ص ۸۹۲
- ۱۴- همان صص ۱۰-۹
- ۱۵- همان ص ۳۹۴
- ۱۶- همان ص ۴۱۱
- ۱۷- دیوان حاج محمد کاظم صبوری ملک الشعراى آستان قدس رضوی به تصحیح محمّد ملک زاسده ۱۳۴۲ انتشارات کتابخانه ابن سینا صص ۱۶-۱۴
- ۱۸- همان ص ۳۵۳
- ۱۹- همان ص ۶۴
- ۲۰- همان صص ۳۶۷-۳۶۶
- ۲۱- همان صص ۷۱-۶۹
- ۲۲- همان صص ۷۳-۷۱
- ۲۳- دیوان اشعار انصاری - حاج محمّدعلی انصاری، تصحیح علی اکبر اصولی، اردیبهشت ۱۳۴۲، چاپ چاپخانه قم ص ۶۲
- ۲۴- همان صص ۴۹۴-۴۹۰
- ۲۵- کلیات دیوان حکیم الهی قمشه‌ای (محبی الدین مهدی الهی قمشه‌ای)، انتشارات علمیه اسلامیه. شیراز. تاریخ چاپ ندارد، مناسک حج مشتاقان یا اسرار حج عاشقان صص ۹۶۷-۹۵۳

